




| | | |
|--|---|-------------------------|
| HomePage: https://jhistory.um.ac.ir | Vol. 53, No. 2: Issue 107 Autumn & Winter 2021-2022, p.57-74 | |
| Online ISSN: 2538-4341 |  Print ISSN: 2028-706x | |
| Receive Date: 22-03-2022 | Revise Date: 04-07-2022 | Accept Date: 17-08-2022 |
| DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2022.75936.1117 | Article type: Promotional | |

The Exemplary Status of the Military from the Viewpoint of Khwājih Nizām-ul-Mulk

Dr. Ya'qub Tabesh, Assistant Professor, Hakim Sabzevari University

Email: y.tabesh@hsu.ac.ir

Abstract

Khwājih Nizām-ul-Mulk did most of his country and military service during the time of Alp-Arsalān and Malikshāh, and as a minister under their rule. In Sayr-ul-mulūk he expresses his ideas regarding bureaucracy and different levels of governance, including the military structure of the state, which is one of the main pillars of power. The present study collects data using written sources, and examines the data using content analysis. We attempt to answer the following questions: "As a bureaucrat, what views did Nizām-ul-Mulk hold towards the military?" and "Which merits does he mention when it comes to the professional status of military?" In other words, the purpose of the present study is to define the status of the military, and to extract a model of military merits based on Khwājih Nizām-ul-Mulk's viewpoints.

It is suggested that the military are given major focus in Sayr-ul-mulūk. Although Nizām-ul-Mulk criticizes the military's activities during his own time, he enumerates several merits in Sayr-ul-mulūk as important factors in forming the military's status. These include military experience and strength, respecting the superiors, not intruding on people's property (professional aspect), the multi-ethnic nature of the military, and the neatness of military men's looks and tools (personal aspect).

Keywords: The Military's Merits, Sayr-ul-mulūk, Khwājih Nizām-ul-Mulk, Seljuks



| | |
|---|--|
| سال ۵۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۷۴ - ۵۷ | HomePage: https://jhistory.um.ac.ir |
| شاپا چاپی x ۷۰۶-۲۲۲۸ | شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱-۲۵۳۸ |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۲ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳ |
| نوع مقاله: ترویجی | DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2022.75936.1117 |

جایگاه الگویی نظامیان از دیدگاه خواجه نظام الملک

دکتر یعقوب تابش

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

Email: y.tabesh@hsu.ac.ir

چکیده

خواجه نظام الملک خدمات عمده کشوری و لشکری خود را در عصر آلب ارسلان و ملکشاه در منصب وزارت این دو فرمانروا، به ظهور رساند. دیدگاه‌های او در سیرالملوک افزون بر دیوان‌سالاری ساحت‌های گوناگون حکمرانی از جمله ساختار نظامی حکومت که از ارکان اصلی قدرت بود را در برمی‌گیرد. این پژوهش درصدد است با به‌کارگیری منابع مکتوب به گردآوری داده‌ها و با روش تحلیل محتوا به پردازش داده‌ها بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که خواجه نظام الملک به‌عنوان یک دیوان‌سالار چه دیدگاهی نسبت به نیروهای نظامی داشته است و الگوی حرفه‌ای آن‌ها را بر اساس کدام شایستگی‌ها مطرح می‌کند؟ به عبارت دیگر هدف این پژوهش تعیین جایگاه نظامیان و استخراج مدل شایستگی نیروهای نظامی از نظر خواجه نظام الملک است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نیروهای نظامی به‌طور برجسته در سیرالملوک (اثر خواجه نظام الملک) مورد توجه قرار گرفته‌اند. خواجه اگرچه در مقام عمل بر عملکرد نظامیان زمانه خود انتقاداتی دارد اما از دیدگاه او شاخص‌هایی همچون داشتن تجربه و توان رزمی، احترام به مافوق، دست‌درازی نکردن به اموال مردم (بعد حرفه‌ای)، چند قومیتی بودن لشکریان، ظاهر و ابزار مناسب داشتن (بعد فردی) به‌عنوان مهم‌ترین شایستگی‌ها در ترسیم الگوی نیروهای نظامی، در سیرالملوک به‌شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: شایستگی‌های نظامیان، سیرالملوک، خواجه نظام الملک، سلجوقیان.

مقدمه

سیاست نامه نویسی به عنوان جریانی که ریشه های آن در ایران، به پیش از اسلام می رسد از نیاز فرمانروایان به تجارب و اندیشه های کسانی که در امر حکومت صاحب نظر بودند، ناشی می شد. سیرالملوک یا سیاست نامه نظام الملک به عنوان یکی از مهم ترین آثار سیاست نامه ای که پس از اسلام توسط فردی که خود نزدیک به سه دهه مدیریت یک شاهنشاهی گسترده را بر عهده داشته است، از نظر تعیین وظایف و شایستگی های مستخدمین حکومتی اهمیت شایانی دارد. تأکید مداوم نظام الملک بر بیان ویژگی های نیروهای نظامی مؤید این است که از نظر او نیروهای نظامی در ساختار مدیریت کشور همانند کارکنان دیگر یکی از منابع مهم سرمایه حکومت به شمار می روند. از اهداف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که نیروهای نظامی از نظر خواجه نظام الملک چه جایگاهی داشتند؟ و شایستگی های آن ها چه مواردی را شامل می شد؟ مدعای مقاله این است که بر اساس رهنمودهای نظام الملک راجع به نظامیان در سیرالملوک که هم اشاراتی به وضعیت موجود نظامیان دارد و هم وضعیت مطلوب آن ها را ترسیم می کند - و با توجه به اینکه خود در کار نظامیگری تجارب ارزنده ای داشته است - می توان مدل شایستگی نیروهای نظامی را ترسیم کرد. برای اثبات این مدعا داده ها به روش کتابخانه ای گردآوری شدند سپس با روش تحلیل محتوا پردازش داده ها به فرجام رسید.

تاکنون در حوزه مطالعات تاریخی راجع به شایستگی های نیروهای نظامی، نحوه گزینش آن ها و استخراج مدل شایستگی نیروهای رزمی در کتاب سیرالملوک که از اهداف اصلی این مقاله است، پژوهشی انجام نشده است. اصفهانیان^۱ سپاه سلجوقی را از حیث نیروی انسانی، تشکیلات و تجهیزات بررسی کرده است. عبدالفتاح الجالودی^۲ به نقش نظام الملک در پیدایی اقطاع نظامی در عصر سلجوقی و محمدی^۳ به تأثیر مؤلفه ها و باورهای دینی در پیروزی سپاه سلجوقی در نبرد ملاذگرد پرداخته اند؛ این سه اثر اگرچه با نیروهای نظامی در عصر سلجوقی مرتبط اند و در پژوهش حاضر هر جا اقتضا کرده از آن ها بهره برداری شده اما مسئله و هدف آن ها تبیین شایستگی نیروهای نظامی نبوده است. حسن زاده^۴ ساختار و

۱. اصفهانیان، داود. «تشکیلات نظامی سلجوقیان». بررسی های تاریخی ۸، ش. ۵ (۱۳۵۲): ۵۷-۷۲.

۲. عبدالفتاح الجالودی، علیان. «اقطاع نظامی در عصر پادشاهان بزرگ سلجوقی و نقش وزیر نظام الملک در پیدایش و تحول آن (۴۲۹هـ/۱۰۳۷م-۴۸۶هـ/۱۰۹۲م)»، ترجمه سجاد جمشیدیان و حسین قانمی اصل. پژوهش در تاریخ ۶، ش. ۲ (بهار ۱۳۹۱): ۱۲۷-۶۳.

۳. محمدی، ذکرااله. «نقش مؤلفه ها و باورهای دینی در پیروزی سپاه سلجوقی در نبرد ملاذگرد». پژوهش های علم و دین ۵، ش. ۹ (بهار و تابستان ۱۳۹۳): ۴۳-۶۶.

۴. حسن زاده، اسماعیل. «ساختار و عملکرد سپاه غزنویان». شناخت ۱۶، ش. ۵۲ (۱۳۸۵): ۵۲-۱۱۵.

عملکرد سپاه غزنویان و دهقان^۱ تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی مصر را بررسی کرده‌اند؛ پرواضح است که موضوع آن‌ها مربوط به قلمرو سلجوقی نیست. سید جواد طباطبایی در فصل سوم کتاب درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی ایران^۲ و کتاب خواجه نظام‌الملک^۳ به نقش خواجه در تداوم اندیشه ایرانی شهری تأکید کرده است. از آنجا که پروژه طباطبایی اندیشه سیاسی در تاریخ ایران است، رویکرد او به کتاب سیرالملوک و نویسنده آن یک نگاه متمرکز نیست بلکه به آن‌ها به‌عنوان بخشی از یک جورچین می‌نگرد که برای تکمیل یک طرح بزرگ به کار می‌آیند. از این رو پرداختن به نیروهای نظامی و شایستگی‌های آن‌ها همچون بسیاری از موضوعات دیگر که در سیرالملوک مطرح شده در آثار طباطبایی جایی ندارد. خواجه در جای جای سیرالملوک به بیان شایستگی‌های مستخدمین حکومتی از جمله نیروهای رزمی پرداخته است که در پروژه طباطبایی طرح آن‌ها جایگاهی ندارد.

۱- اهمیت نیروهای نظامی از نظر خواجه نظام‌الملک

نظام‌الملک مطالعه سیرالملوک را از جهات گوناگون سودمند دانسته است. آگاهی از «احوال لشکر» یکی از کارکردهای کتاب سیرالملوک به‌زعم اوست.^۴ مطالعه این کتاب در تبیین سیاست‌های نظامی و روابط دوسویه نظامیان و شهریاران مفید است. کلماتی که در سیرالملوک برای نیروهای نظامی به کار برده شده «لشکر» و «سپاه» است. کلمه لشکر با فراوانی ۱۱۵ مورد و به کار رفتن در عنوان سه فصل بیشترین کاربرد را داشته است. پس از آن کلمه سپاه با فراوانی ۲۵ بار در جایگاه دوم قرار دارد.

تأسیس حکومت، حفظ و گسترش قلمرو، ایجاد امنیت و حفظ منافع گروه‌های حاکم از مهم‌ترین کارکردهای نیروهای نظامی به شمار می‌رود.^۵ در بین حکومت‌های ایران بعد از اسلام سلجوقیان اولین حکومتی بودند که توانستند حدود قلمرو خود را به حدود قلمرو ساسانیان نزدیک کنند.^۶ گسترش قلمرو امپراتوری سلجوقیان نیازمند استخدام نیروی رزمی متناسب با آن بود. سپاه اساس دولت آن‌ها به شمار می‌رفت.^۷ آلب ارسلان دومین شهریار سلجوقی پیروزی خود را در برابر امپراتوری روم شرقی در نبرد ملاذگرد، مدیون سپاهیان زبده و باورمندی بود که او را در این نبرد همراهی کردند.^۸

۱. دهقان، معصومه. «بررسی تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی مصر». مطالعات تاریخی جنگ ۶، ش. ۲ (۱۳۹۷): ۹۴-۷۷.

۲. طباطبایی، جواد. درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر، ۱۳۸۵.

۳. طباطبایی، جواد. خواجه نظام‌الملک. تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.

۴. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۴.

۵. حسن زاده، «ساختار و عملکرد سپاه غزنویان»، ۱۱۶.

۶. تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، ۱۰/۱۵.

۷. اوزون چارشلیلی، «تشکیلات امپراتوری سلجوقیان (۳)»، ترجمه محمدرضا نصیری، ۵۵.

۸. تاریخ آل سلجوق در آتاتولی، ۵۴-۵۵؛ محمدی، «نقش مؤلفه‌ها و باورهای دینی در پیروزی سپاه سلجوقی در نبرد ملاذگرد»، ۵۶-۵۸.

از نظر خواجه بزرگان سپاه زینت حکومت به شمار می‌رفتند.^۱ او به عوامل نظامی یک کشور آن‌قدر اهمیت می‌داد که هدف اصلی اعزام رسول (فرستاده سیاسی) نزد فرمانروایان دیگر کشورها را شناسایی استعدادهای رزمی آن‌ها می‌دانست:

«چون پادشاهان به یکدیگر رسول فرستند نه مقصود آن‌همه پیغام و نامه باشد که برملا اظهار کنند، چه صد خرده و مقصود در سر [نهان] بیش باشد ایشان را در فرستادن رسول. الا خواهند که بدانند که احوال راه و عقبه‌ها و آب‌های رودها چگونه است تا لشکر شاید گذشت یا نه و علف کجا یابد و کجا نیابد و بهر جای از گماشتگان کی‌اند و ببینند که لشکر آن ملک چند است و آلت و عدّتش بچه اندازه است».^۲

از نظر خواجه بر پادشاه است که در امور لشکر با وزیر، بزرگان دولت و پیران جهان‌دیده مشورت کند^۳ و اجازه ندهد اهل ستر (زنان دربار) در امور نظامی دخالت کنند.^۴ موضوع دیگری که در ارتباط با نظامیان برای خواجه اهمیت داشته، پرداخت حقوق نظامیان و چگونگی پرداخت آن است. در فصل بیست و سوم سیرالملوک خواجه ضمن تأکید بر مشخص کردن منابع مالی بخش نظامی حکومت، برای پرداخت حق الزحمه نظامیان از دوروش یاد کرده است: بخشی از سپاه با روش اقطاع مزد خدمات خود را دریافت می‌کردند و بخشی دیگر که شامل غلامان بودند، حقوق خود را به‌طور نقدی از خزانه می‌گرفتند.^۵ خواجه تأکید کرده است برای هر دو گروه باید مقدار منابع اقطاع و یا مبلغ پرداختی مشخص شود. او توصیه کرده است بهتر است پادشاه سالی دو بار غلامانی که خدمت نظامی انجام می‌دهند را فراخواند و به‌دست خود به آن‌ها از خزانه مواجب دهد؛ زیرا از این عمل «مهری و اتحادی در دل ایشان برآید و به هنگام خدمت و کارزار سخت‌کوش‌تر باشند و ایستادگی کنند».^۶ این رسم پیش‌تر از سوی شهریاران ساسانی به‌کاربرده می‌شد. چنانکه دینوری از دادن مواجب سپاه به دست خسرو انوشیروان یاد کرده است.^۷ اقطاع‌داران هم باید تعداد سربازان خود را به‌درستی بیان کنند و آمار کسانی که به هر علتی فوت می‌کنند را مخفی نکنند. به

۱. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۲۰۳.

۲. همو، ۱۲۸. نویسنده قاپوس‌نامه هم اندرز می‌دهد که «از جاسوس فرستادن و ز کار خصم خویش آگاه بودن غافل مباش و بروز و به شب از طلایه فرستادن تقصیر مکن». عنصرالمعالی، قاپوس‌نامه، ۲۲۳.

۳. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۲۰، ۱۶۲.

۴. نظام‌الملک، همان، ۲۵۰.

۵. مردان به مردانی برگزیده می‌گفتند که هم از نظر ظاهری و هم شجاعت و جنگجویی بی‌نظیر بودند. آن‌ها از جمله نظامیان حاضر در درگاه بودند که خواجه توصیه کرده است برای آن‌ها حقوق زیاد و بدون تأخیر، در نظر گرفته شود و هر پنجاه مرد از آن‌ها یک نقیب داشته باشند تا از حال آن‌ها باخبر باشند و در خدمت آن‌ها باشند. همه آن‌ها باید اسب و تجهیزات داشته باشند تا هرگاه کار مهمی پیش‌آید که در حیطه کاری آن‌ها باشد هر چه زودتر انجام دهند. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۲۵.

۶. همو، ۱۳۵.

۷. دینوری، اخبارالطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۲۳۴.

فرماندهان «خیل» ها هم بگویند به هر ترتیبی شده همه لشکر را آماده به خدمت نگهدارند و اگر خلاف این عمل کنند باید غرامت مالی که به آن‌ها بابت خدمات نظامی پرداخت شده را بپردازند.^۱ اهمیت پرداخت حقوق سپاهیان تنها در عرصه نظر مورد توجه خواجه نبود بلکه پس از قتل آلب ارسلان و ابقای خواجه در مقام وزارت، به دستور او ۷۰۰/۰۰۰ دینار به حقوق لشکریان افزوده شد.^۲

۲- شایستگی‌های نیروهای نظامی از نگاه خواجه نظام الملک

ترسیم نظام آرمانی یا الگویی در واقع با توضیح وضعیت مطلوب قابل تحقق است. نظام الملک در عین اینکه کمابیش انتقاداتی به وضعیت نظامیان زمانه خود دارد، با توضیحات مفصل خود در فصل‌های متعدد سیرالملوک، آرمان‌های خود را درباره نظامیان بیان کرده است.

۲-۱- شایستگی‌های حرفه‌ای

۲-۱-۱- توان رزمی

برای یک نظامی بنابر حرفه‌ای که به او واگذار می‌شود تجربه و توان رزمی و جسارت در هنگامه نبرد اساسی‌ترین شایستگی به شمار می‌رود. کاردیدگی و رزم آزمودگی، دلیری و مردانگی در مبارزه، ایستادگی و سخت‌کوشی، داشتن مهارت در به کارگیری سلاح و اسب سواری و مبارز بودن مواردی است که از نظر خواجه پسندیده است.^۳

یک نظامی مطلوب هنگامی می‌توانست فردی جنگجو و مبارز تلقی شود که به تربیت او توجه می‌شد. خواجه در سیرالملوک به جایگاه غلامان و لزوم تربیت آن‌ها تأکید کرده است. غلامان مدت‌ها قبل از سلجوقیان وارد ساختار حکومت‌های سامانیان، عباسیان و غزنویان شده بودند،^۴ ایجاد تنوع و رقابت در لشکریان، عدم اعتماد به بومیان و خویشاوندان قومی و قبیله‌ای، استفاده از قابلیت‌های نظامی غلام سپاهیان و تصور اطاعت‌پذیری غلامان اساسی‌ترین عواملی بود که نظام‌های سیاسی را به استفاده از غلام سپاهی وامی‌داشت.^۵ نویسنده سیرالملوک در باب بیست و هفتم به ضرورت و نحوه پرورش غلامان پرداخته است و بر این باور است که در روزگاران پیشین، نظامی مناسب برای تربیت و پرورش غلامان از آن روز که

۱. نظام الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۳۵.

۲. طباطبایی، خواجه نظام الملک، ۲۶.

۳. نظام الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۵۷.

۴. برای آگاهی بیشتر از جایگاه غلامان در ساختار حکومتی سامانیان و غزنویان بنگرید به: اخیانی و احمدی، «بازشناسی نقش و جایگاه غلامان سرایی در ساختار قدرت غزنویان بر اساس تاریخ بیهقی»، تاریخ ادبیات ۷، ش. ۷۵ (۱۳۹۳): ۱-۵؛ بذرمنش و بحرانی پور، «جایگاه و نقش غلامان و بردگان ترک در حکومت سامانیان»، جندیشاپور، ش. ۳ (۱۳۹۴): ۱-۲؛ خلعتبری و دلریش، «علل به‌کارگیری و حضور گسترده غلامان در نظام سیاسی سامانیان»، علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ش. ۵۹ (۱۳۸۵): ۵۷-۷۸.

۵. ساریخانی، «رزم افزارهای ایران در دوران اسلامی با استناد به آثار هنری گنجینه اسلامی»، ۲۵.

خریده می‌شدند تا روزگار پیری و ترفیع درجه بوده است. در ادامه خواجه با نگاهی آسیب شناسانه اظهار می‌دارد آن «رسم از قاعده خویش» افتاده است؛ یعنی در زمان نگارش کتاب غلامان به روشی نظام‌مند تربیت نمی‌شدند.^۱ او از روزگار سامانیان به‌عنوان دوره‌ای که در پرورش غلامان نظم و ویژه‌ای رعایت می‌شده یاد کرده است. زیرا در آن روزگار ارتقاء رتبه غلامان را امری تدریجی و منوط به اندازه خدمت و شایستگی غلام می‌دانستند.^۲

۲-۱-۲- احترام به مافوق

از نظر خواجه برای اینکه سرخیلان یا همان فرماندهان نظامی از نگاه افراد زیر نظر خود حرمت داشته باشند، باید نیازهایشان از سوی فرمانده به پادشاه یا مقامات حکومتی بیان شود. اگر لشکریان خودشان برای برآوردن نیازهایشان اقدام کنند، خود را محتاج فرمانده نمی‌بینند و احترامی برای او قائل نخواهند بود. افزون بر این اگر کسی از لشکریان به فرمانده خود زبان‌درازی کند و احترام او را نگاه ندارد و از حد خویش بگذرد، باید تنبیه شود تا فرق بین بزرگ و کوچک آشکار شود.^۳

مثالی که خواجه درباره‌ی البتگین و غلامانش آورده، مؤید این است که غلامانی که به‌عنوان نیروی نظامی در خدمت فرماندهان بودند باید به‌طور مطلق از آن‌ها اطاعت می‌کردند. روزی البتگین دویست غلام را نامزد کرد تا به «خلج و ترکمانان» روند و مالیاتی را از آن ناحیه بگیرند. چون به مقصد رسیدند، خلج و ترکمانان مال را به‌طور کامل نپرداختند. غلامان خشمگین شدند و قصد کردند برای گرفتن مال با آن‌ها بجنگند اما سبکتگین که همراه جمع بود از جنگیدن امتناع کرد. پس از برگشت در جواب البتگین که از او پرسید چرا جنگ نکردید. گفت: «از جهت آنکه خداوند ما را نقرموده بود که «جنگ کنید» و اگر ما بی‌فرمان خداوند جنگ کردیم پس هریکی خداوندی بودیم نه بنده، که نشان بندگی آن باشد که همه آن کند که خداوند فرماید؛ و اگر شکست بر ما بودی لا بد خداوند گفتی کی «فرمود شما را که جنگ کنید؟» و آن عتاب را کی طاقت داشتی؟... اکنون اگر فرمایی تا جنگ کنیم برویم، یا مال بستانیم یا جان فدا کنیم». البتگین از شنیدن این استدلال خوشش آمد و تصمیم سبکتگین را تأیید کرد.^۴

از نظر خواجه سران سپاه نباید نسبت به پادشاه گستاخ شوند. پادشاه نباید با بزرگان و سپاه‌سالاران و عمیدان محتشم «مخالطت» کند. زیرا این کار به شکوه پادشاه آسیب می‌رساند و آن‌ها را گستاخ کرده، در

۱. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۴۰.

۲. همو، ۱۴۱.

۳. همو، ۱۶۴.

۴. همو، ۱۴۳-۴۴.

عمل به فرمان‌های او سستی می‌کنند.^۱ با توجه به این توصیه گویا خواجه روش محمود غزنوی را در مخالفت با سپاهسالارانش و خوردن شراب با آن‌ها^۲ نمی‌پسندیده است. این درحالی است که محمود یکی از فرمانروایان آرمانی خواجه در گزینش نیروهای انسانی به شمار می‌رفته است.

۲- ۱- ۳- تعرض نکردن سپاهیان به جان و مال مردم

سپاهیان در رویارویی با مردمانی که بر سر راهشان قرار می‌گرفتند، دو رویه غالب را در پیش می‌گرفتند. سپاهیان بی‌محابا دست به غارت و چپاول می‌زدند و بهره‌گیری از منابع سر راه را به پشتوانه قدرت نظامی و بهانه تأمین نیازمندی‌های زندگی، بدون کسب رضایت صاحبان مال و پرداخت هزینه، حق خود می‌دانستند. کسانی که این روش را برمی‌گزیدند، در هنگام پیروزی تجاوز به حقوق مغلوبان در هر زمینه‌ای را مجاز می‌شمردند. رویه دیگر رفتاری مسالمت‌آمیز با مردمان مسیر لشکرکشی و مغلوبان بود. روش پرداخت هزینه‌ها به رعایا و مهربانی با آن‌ها معمولاً از سوی فرماندهانی اتخاذ می‌شد که به پشتوانه مردمی در تداوم و ثبات حکومت باور داشتند. گزارش‌های متعدد مؤید این است که نیروهایی که در آغاز با استعداد نظامی خود باعث تأسیس و توسعه امپراتوری سلجوقیان شدند از چپاول‌گری و تعرض به جان و مال مردم فروگذار نمی‌کردند.^۳

خواجه از زبان بزرگمهر، وزیر مشهور دوره ساسانی که انوشیروان را مورد خطاب قرار داد می‌نویسد؛ سپاهیان نباید فکر کنند اگر ولایتی به آن‌ها سپرده شد مردم آن ولایت را هم صاحب شده‌اند و نباید فقط به فکر پر کردن کیسه خود باشند و ویرانی ولایت و فقر مردم آن برایشان اهمیتی نداشته باشد. هرگاه لشکریان از قدرت نظامی خود سوءاستفاده کرده و دست به تصاحب اموال و شکنجه و زندانی کردن مردم بزنند بر پادشاه است که جلوی این درازدستی‌ها را بگیرد و اجازه ندهند قدرت آن‌ها در ولایات مطلق باشد.^۴ افزون بر این از مردم‌داری و مراعات مردم به‌عنوان ویژگی‌های مطلوب در نظام الگویی خواجه برای البتگین و سبکتگین یاد شده است.^۵ نظام‌الملک در جای دیگر «درازدستی» یا تجاوز لشکریان بر مال و جان رعیت را ناپسند دانسته و آن را به منزله یکی از پیامدهای بروز آشوب و بی‌سروسامانی جامعه قلمداد کرده است.^۶

۱. همو، ۱۶۲، ۱۲۰.

۲. همو، ۶۰.

۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: عبدالفتاح الجالودی، «اقطاع نظامی در عصر پادشاهان بزرگ سلجوقی و نقش وزیر نظام‌الملک در پیدایش و تحول آن (۴۲۹هـ/۱۰۳۷م-۴۸۶هـ/۱۰۹۲م)»، ۴۳-۱۴۲.

۴. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۲۵۲.

۵. همو، ۱۴۲، ۱۵۷.

۶. همو، ۱۸۹.

نویسنده قابوس‌نامه هم تسلط سپاهی بر رعیت را برابر با ویرانی مملکت دانسته است.^۱

۲-۱-۴- سایر شایستگی‌های حرفه‌ای

خواجه برای بیان ویژگی‌های یک غلام که مراتب بالای نظامی را پیموده از روش الگوسازی استفاده کرده است. او به‌صراحت هدف خود را از نقل داستان‌های مربوط به البتگین و سبکتگین بیان ویژگی‌های یک غلام شایسته برای ملکشاه اعلام کرده است.^۲ خواجه داشتن رأی و تدبیر را یکی از اوصاف البتگین دانسته که مراتب ترقی را تا سپاه‌سالاری خراسان در ساختار نظامی حکومت سامانیان طی کرد. همچنین از هوشیاری سبکتگین که غلام البتگین و جانشین شایسته‌ای برای او بود، ستایش کرده است. غایب نبودن و همیشه بر درگاه بودن به‌عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های مفردان یاد شده است.^۳

جدول ش ۱: شاخص‌های حرفه‌ای نظامیان در سیرالملوک

| شاخص‌های حرفه‌ای | کلیدواژه‌ها و عبارات مرتبط در سیرالملوک | انواع نظامیان | فراوانی | صفحات |
|------------------------|---|------------------------------|---------|-----------------------------------|
| توان رزمی | کاردیدگی و رزم آزمودگی، سخت‌کوشی و ایستادگی، مبارز باشد، غلام آزموده، بندهٔ پرورده، دلیری، دلاوری | سپاهسالاران، لشکریان، غلامان | ۱۰ | ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۷، ۱۵۸ |
| احترام به مافوق | دراز زمانی کردن، حرمت نگاه نداشتن، از حد خویش گذشتن، نشان بندگی آن باشد که همه آن کند که خداوند فرماید. | لشکریان، غلامان | ۴ | ۱۶۴، ۱۶۳-۱۴۳، ۱۴۴ |
| عدم تعرض به اموال مردم | سپاه مایحتاج خود را به زر خورد، درازدستی لشکر | لشکریان | ۲ | ۱۵۳-۱۵۴، ۱۸۹ |
| مدبیر و هوشیار باشند | هوشیاری، رأی و تدبیر | غلامان | ۲ | ۱۴۲، ۱۵۷ |
| آماده‌به‌خدمت باشند | غایب نباشند و همیشه بر درگاه باشند | مفردان | ۱ | ۱۲۵ |

۱. عنصر المعالی، قابوس‌نامه، ۲۳۲.

۲. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۵۸.

۳. همو، ۱۵۷.

۲-۲- شایستگی‌های فردی

۲-۲-۱- قومیت

برخلاف اینکه نظام‌الملک در گزینش کارکنان دیوانی سعی داشت کسانی را به کار گیرد که از نظر جغرافیایی خراسانی یا ماوراءالنهری و از نظر مذهبی پیرو مذهب حنفی یا شافعی باشند،^۱ در گزینش نظامیان بر چند قومیتی بودن تأکید داشت. او برخلاف آلب ارسلان که حاکمان و صاحب‌منصبان دولت سلجوقی را به نگره داشتن لشکر خراسانی یا ماوراءالنهری تشویق می‌کرد،^۲ به طور آشکار از برتری چند قومیتی بودن لشکر سخن گفته و از سلطان محمود غزنوی به‌عنوان الگو در این زمینه یاد کرده است. سلطان محمود با آنکه در مذهب تسنن حنفی تعصب داشت اما آنجا که موضوع گزینش سپاهیان مطرح می‌شد، تعصب را به کنار می‌نهاد و از چند جنس لشکر داشت؛ ترک، خراسانی، عرب، هندو، غوری و دیلم. از توضیحات خواجه چنین برمی‌آید که محمود به دو دلیل چنین روشی را در پیش می‌گرفت؛ اول اینکه در هنگام پاسبانی در شب از هر جنس عده‌ای را به کار می‌گرفت، به طوری که همگی در معرض دید یکدیگر بودند. هیچ گروهی تا صبح از بیم گروه دیگر نمی‌خوابیدند و پاسبانی می‌دادند. از سوی دیگر در هنگامه جنگ هر جنس برای حفظ اعتبار و آبروی خود (نام و ننگ) می‌کوشیدند و با جدیت می‌جنگیدند تا کسی انگ «سستی در جنگ» را به آن‌ها نچسباند. همه در آن می‌کوشیدند که از یکدیگر بهتر باشند. در آخر چنین نتیجه‌گیری کرده است که با به‌کارگیری لشکریان از هر جنسی همه «سخت‌کوش و نام‌جوی» می‌شدند و هرگاه دست به سلاح می‌بردند تا شکست لشکر دشمن پا پس نمی‌کشیدند. به این ترتیب هیچ‌کس در برابر این لشکر نمی‌توانست مقاومت کند و همه لشکرهای اطراف از پادشاهی که چنین لشکری داشت می‌ترسیدند و مطیع او می‌شدند.^۳ تحت تأثیر چنین دیدگاهی است که ملک‌شاه اعراب و اکرادی را که به او در شکست عمومیش قاورد یاری رساندند، اقطاع بسیار بخشید^۴ و به این ترتیب آن‌ها را در زمره سپاهیان خویش قرار داد.

خواجه توصیه کرده است لشکریان حاضر در درگاه، خراسانی، دیلمی، شبانکارگان پارس و گرجی باشند.^۵ به نظر خواجه همواره چهار هزار مرد پیاده از قومیت‌های متفاوت «چهار جنس» باید نامشان در دیوان ثبت شود.^۶ یکی دیگر از فایده‌های هم‌جنس نبودن لشکر آن بود که حکومت سلجوقی با به‌کارگیری

۱. تابش و پرویش، «مدل شایستگی کارکنان در سیرالملوک»، ۶۷-۶۵.

۲. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۲۱۸.

۳. همو، ۱۳۶-۳۷.

۴. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ۲۳/۵۴؛ طهماسبی، «روابط بنی مزید حله با سلجوقیان و خلافت عباسی»، ۸۷.

۵. نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه)، ۱۳۸.

۶. همو، ۱۲۵.

دیگر اقوام در ساختار ارتش توانست خود را از منت ترکمانانی که به پایمردی آن‌ها حکومت را شکل داده بود برهاند.^۱ نظر خواجه با نظر نویسنده قابوس نامه درباره هم‌جنس نبودن لشکریان منطبق است. به نوشته عنصر المعالی «لشکر همه از یک جنس مدار که هر پادشاهی لشکر همه از یک جنس دارد همیشه اسیر لشکر خویش باشد، دائم زبون باشد، از آنکه از یک جنس همیشه متفق یکدیگر باشند، ایشان را بیک دیگر نتوان مالیدن و چون از هر جنسی بود این جنس را بدان مالیده توان داشتن تا آن قوم از بیم این قوم و این قوم از بیم آن قوم بی‌فرمانی نکنند و فرمان تو بر لشکر تو روان بود؛ و جدّ تو سلطان محمود رحمه‌الله چهار هزار غلام ترک داشتی به سرای دائم و چهار هزار هندو، دائم ترکان را به هندوان ترسانیدی و هندوان را به ترکان».^۲

در عین حال خواجه توجه به ترکمانان را که سلجوقیان از میان آن‌ها برخاستند و به یاری آن‌ها غزنویان را شکست دادند و به قدرت رسیدند را فراموش نکرده است^۳ و در فصل بیست و ششم به گزینش ترکمانان برای سپاهیگری تأکید کرده است. از نظر او «هر چند از ترکمانان ملالتی حاصل شده است» اما به خاطر خدمات آن‌ها در مرحله تأسیس حکومت سلجوقی و نسبت قومیتی آن‌ها با سلطان باید نیمی از سپاهیان حاضر در درگاه از ترکمانان باشند و هرگاه لازم باشد با زینت و ساز غلامان ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر از آن‌ها در مأموریت‌ها به کار گرفته شوند تا از این دولت بی‌نصیب نباشند و از پادشاه خشنود باشند.^۴

۲-۲-۲- داشتن سلاح و لباس نیکو

خواجه در فصل بیستم آماده نگه‌داشتن بیست دست سلاح خاص و مرصع در خزانه را ضروری دانسته است تا در هنگام جشن‌ها و بار دادن سفرای کشورهای خارجی، بیست غلام با جامه‌های نیکو آن سلاح‌ها را بردارند و گرد تخت پادشاه بایستند. به عقیده خواجه «زینت ملک و زینت پادشاهی نگاه باید داشت که زینت و عدت هر پادشاهی بر اندازه همت و ملک او باید که باشد».^۵ خواجه درباره چوب‌دارانی که ظاهراً زیر نظر امیر حرس کار می‌کردند و همیشه باید در درگاه باشند نوشته است که بیست نفر آن‌ها با چوب زرین و بیست نفرشان با چوب نقره‌ای و ده نفر دیگر با چوب‌های بزرگ به خدمت مشغول شوند.^۶

۱. کلوزنر، دیوانسالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)، ترجمه یعقوب آژند، ۲۵.

۲. عنصر المعالی، قابوس نامه، ۲۳۳.

۳. برای آگاهی از نقش ترکمانان در روی کار آمدن دودمان سلجوقی بنگرید به: گردیزی، زین الاخبار، ۳۷-۴۳۵؛ بیهقی، تاریخ بیهقی (با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی)، ۹۴۹/۳-۹۵۹؛ آقسرائی، مسافرة الاخبار و مسافرة الاخیار، ۱۲، ۱۴؛ راوندی، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، ۸۹، ۹۵.

۴. نظام‌الملک، سیر الملوک (سیاستنامه)، ۱۳۹.

۵. همو، ۱۲۶.

۶. همو، ۱۸۱.

خواجه در فصل سی و دوم مطالبی بیان کرده که اهمیت آلات جنگی و به خدمت گرفتن غلامان را آشکار کرده است. او بر این باور است که نخبگان حکومتی به جای تمایل به تجمل و آلت و زینت خانه بهتر است: «تجمل و سلاح و آلت جنگ سازند و غلام خرد که جمال و شکوه ایشان اندر این چیزها بود ... هرکه را از این معنی بیشتر، به نزدیک پادشاه پسندیده‌تر باشد و در میان همالان و لشکر باشکوه‌تر و آراسته‌تر».^۱

۲-۲-۳- اندام مناسب داشته باشد

از نظر خواجه در گزینش مفردان به عنوان نیروهای نظامی که باید همیشه در درگاه حاضر می‌بودند، باید این ویژگی‌ها مدنظر قرار گیرد؛ آن‌ها باید از نظر قد و سیما و دلاوری برگزیده باشند.^۲

۲-۲-۴- داشتن لقب مناسب

از جمله انتقادهایی که خواجه درباره وضعیت زمانه خود دارد، جابه‌جا شدن القاب امیران لشکری و عمیدان کشوری است. او اظهار داشته است در زمان‌های گذشته لقب امراء ترکان حسام‌الدوله، سیف‌الدوله، یمین‌الدوله و شمس‌الدوله و مانند این بوده است و لقب خواجهگان و عمیدان و متصرفان عمید الملک، ظهیر الملک، قوام الملک، نظام الملک و کمال الملک و مانند این بوده است. اما اکنون این تمایزها از بین رفته است. به طوری که «ترکان لقب تازیگان بر خویشان می‌نهند و تازیگان لقب ترکان بر خویشان می‌نهند» و این کار را عیب نمی‌دانند.^۳

۲-۲-۵- باشکوه و با ابهت باشد (امیر حرس)

بر اساس توضیحات خواجه درباره منصب امیر حرس معلوم می‌شود این منصب از دوره‌های پیش از سلجوقیان یکی از شغل‌های بزرگ دربار بوده و پس از امیر حاجب بزرگ هیچ‌کس بزرگ‌تر و با شکوه‌تر از امیر حرس نبوده است. این شغل بازوی اجرایی سیاست تنبیه و مجازات پادشاه بود. پادشاه چون از کسی خشمگین می‌شد ممکن بود مجازات‌های متنوعی از قبیل گردن زدن و دست و پای بریدن و بردار کردن و چوب زدن و به زندان و به چاه کردن برای او در نظر گیرد. خواجه در مورد امیر حرس بر این باور است که در زمان ملکشاه اعتبار این مقام برخلاف گذشته کاهش یافته است. در گذشته امیر حرس دارای «کوس و علم و نوبت» بوده است و مردمان از او بیشتر از پادشاه می‌ترسیدند.^۴

۱. همو، ۱۶۵.

۲. همو، ۱۲۵.

۳. همو، ۲۰۱.

۴. همو، ۱۸۱.

جدول ش ۲: شاخص‌های فردی نظامیان در سیرالملوک

| شاخص‌های فردی | کلیدواژه‌ها و عبارات مرتبط در سیرالملوک | انواع نظامیان | فراوانی | صفحات |
|-------------------------------|--|----------------------------|---------|--|
| قومیت | خراسانی، دیلمی، گرجی، شبانکارگان پارس، ترکمان، ترک، عرب، هندو، غوری | لشکریان | ۹ | ۸۸، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۲۱۷، ۲۱۸ |
| داشتن ابزارها و سلاح‌های مرصع | سلاح مرصع، با برگ، آلت | امیرحرب، مقردان، غلامان | ۸ | ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۵، ۱۸۱ |
| لباس نیکو و زینت داشته باشند | جامه‌های نیکو، تجمل، زینت، آراسته، لباس‌های نیکو | امیرحرب، مقردان، غلامان | ۵ | ۱۲۶، ۱۶۵، ۱۸۱ |
| اندام مناسب داشته باشند | به دیدار و قد نیکو برگزیده باشد | مقردان | ۱ | ۱۲۵ |
| داشتن لقب مناسب | حسام الدوله و سیف‌الدوله و یحیی الدوله و شمس الدوله | امیران نظامی | ۱ | ۲۰۱ |
| با اهبت باشند | امیرحرب را کوبس و علم و نوبت بوده است و مردمان از او بیش ترسیدندی که از پادشاه | امیرحرب | ۱ | ۱۸۱ |

۳- مدل شایستگی نظامیان در سیرالملوک

با توجه به جداول شاخص‌های شایستگی در ساحت‌های سه‌گانه، می‌توان مدل شایستگی نیروهای نظامی در سیرالملوک را ترسیم کرد. در بعد حرفه‌ای به شاخص توان رزمی ۱۰ بار در سیرالملوک اشاره شده است. در این ۱۰ مورد از کاردیدگی، رزم آزمودگی، سخت‌کوشی و ایستادگی و مبارز بودن به‌عنوان شایستگی یاد شده است. شاخص احترام به مافوق ۴ بار ذکر شده؛ دراز زبانی نکردن، حرمت نگاه‌داشتن، حد خویش را دانستن و از آن عبور نکردن و اطاعت از مافوق از موارد آن است. شاخص سوم که از آن می‌توان با تعبیر «تربیت» یاد کرد. از نظر خواجه این شاخص برای غلامانی که سلسله‌مراتب نظامی را طی می‌کردند اهمیت داشت. موارد چهارم، پنجم و ششم یعنی دست‌درازی نکردن لشکریان به اموال رعیت، هوش و تدبیر و شجاعت هرکدام با ۲ مورد فراوانی در یک سطح قرار گرفته‌اند. آخرین شایستگی حرفه‌ای با فراوانی یک مورد آماده‌به‌خدمت بودن یا همیشه بر درگاه بودن و غایب نبودن غلامان است. در بعد فردی اولین شاخص با فراوانی ۹ مورد قومیت لشکریان است. از نظر خواجه بهتر است

لشکریان از اقوام گوناگون که در جنگ آوری شهره‌اند باشند. هم‌جنس نبودن لشکریان کنترل آن‌ها را سهل‌تر و بر کارایی ایشان می‌افزاید. داشتن ابزارها و سلاح‌های مرصع (با فراوانی ۸ مورد) و لباس و زینت نیکو (با فراوانی ۵ مورد) به‌ویژه برای نیروهای نظامی که محل خدمت آن‌ها درگاه بود، برای نشان دادن شکوه و جلال پادشاه ضرورت داشت. داشتن اندام مناسب برای مفردان، لقب مناسب برای سران سپاه و ابهت برای امیر حرس هر کدام با یک مورد فراوانی در رده‌های پایینی جدول شاخص‌های فردی قرار گرفته‌اند. در پایان با تعیین اولویت شاخص‌ها بر اساس فراوانی آن‌ها در کتاب سیرالملوک امکان استخراج مدل شایستگی نظامیان فراهم شد (نمودار شماره ۱).



نمودار ش ۱: مدل شایستگی نظامیان در سیرالملوک

نتیجه‌گیری

بررسی محتوای سیرالملوک مؤید توجه ویژه‌ی خواجه به نظامیگری و نیروهای نظامی است. انتخاب و به‌کارگیری افراد شایسته در مناصب نظامی برای خواجه اهمیت داشته است. او به‌عنوان یک دیوان‌سالار برجسته به هر دو جایگاه موجود و مطلوب نظامیان اشاره کرده است. از نظر او هرچه حکومتی قلمرو وسیع‌تری داشته باشد، باید برای اداره و حفظ این قلمرو نیروهای نظامی بیشتری به کار گیرد. از نظر خواجه

قوای نظامی در زمره ارکان اصلی حاکمیت بودند. از این رو تعیین ویژگی‌های آن‌ها و ارائه پیشنهادات درباره آن‌ها به فرمانروای زمانه ضرورت داشت.

داده‌های متعدد سیرالملوک درباره جایگاه آرمانی نیروهای رزمی، ترسیم نظام آرمانی یا الگویی (مدل شایستگی) نظامیان را امکان‌پذیر کرده است. مدل شایستگی نظامیان در سیرالملوک در دو بعد قابل ترسیم است: بعد حرفه‌ای، بعد فردی. شاخص‌هایی همچون داشتن تجربه و توان رزمی، احترام به مافوق، دست‌درازی نکردن به اموال مردم، تدبیر، هوشیاری و آماده‌به‌خدمت بودن را می‌توان در بعد حرفه‌ای دسته بندی نمود. از سوی دیگر ویژگی‌هایی همچون چند قومیتی بودن لشکریان، ابزار، سلاح، اندام، لقب مناسب، لباس نیکو و مجلل داشتن و باابهت بودن (امیرحرس) را می‌توان از شایستگی‌های مهم نظامیان در بعد فردی برشمرد.

افزون بر هدفی که این جستار در استخراج ویژگی‌ها و مدل شایستگی نظامیان در کتاب سیرالملوک با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا برعهده داشته است، پرداختن به چرایی برشمردن این ویژگی‌ها برای نظامیان از سوی خواجه از ضرورت‌هایی است که لازم است در پژوهش‌های بعدی به آن پرداخته شود.

فهرست منابع

- اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی. «تشکیلات امپراتوری سلجوقیان (۳)». ترجمه محمد رضا نصیری. نامه انجمن ۸، ش. ۲ (زمستان ۱۳۸۱): ۵۲-۶۳.
- تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. گردآورنده جی. آبولیل. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابن اثیر، عزالدین علی. تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران. تهران: مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.
- اخیانی، جمیله، و نرگس احمدی. «بازشناسی نقش و جایگاه غلامان سرایی در ساختار قدرت غزنویان بر اساس تاریخ بیهقی». تاریخ ادبیات ۷، ش. ۷۵ (۱۳۹۳): ۵-۱۸.
- اصفهانیان، داود. «تشکیلات نظامی سلجوقیان». بررسی‌های تاریخی ۸، ش. ۵ (۱۳۵۲): ۵۷-۷۲.
- آفسرایی، محمودبن محمد. مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار. تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
- بذرمنش، سیده حلیمه و علی بحرانی پور. «جایگاه و نقش غلامان و بردگان ترک در حکومت سامانیان». جندی‌شاپور، ش. ۳ (۱۳۹۴): ۱-۲۲.
- بیهقی، محمدبن حسین. تاریخ بیهقی (با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی). ویراسته خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب، ۱۳۷۴.
- تابش، یعقوب و محسن پرویش. «مدل شایستگی کارکنان در سیرالملوک». جستارهای تاریخی ۱۰، ش. ۲

(۱۳۹۸): ۵۹-۸۲.

- تاریخ آل سلجوق در آتاتولی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۷.
- حسن زاده، اسماعیل. «ساختار و عملکرد سپاه غزنویان». شناخت ۱۶، ش. ۵۲ (۱۳۸۵): ۵۲-۱۱۵.
- خلعتبری، اللهیار و بشری دلریش. «علل به کارگیری و حضور گسترده غلامان در نظام سیاسی سامانیان». علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ش. ۵۹ (۱۳۸۵): ۵۷-۷۸.
- دهقان، معصومه. «بررسی تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی مصر». مطالعات تاریخی جنگ ۶، ش. ۲ (۱۳۹۷): ۷۷-۹۴.
- دینوری، ابوحنیفه. اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی، ۱۳۶۸.
- راوندی، محمد بن علی. راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ساریخانی، مجید. «رزم افزارهای ایران در دوران اسلامی با استناد به آثار هنری گنجینه اسلامی». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ۴، ش. ۱۱ (۱۳۹۲): ۲۱-۴۴.
- طباطبایی، جواد. خواجه نظام الملک. تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، جواد. درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر، ۱۳۸۵.
- طهماسبی، ساسان. «روابط بنی مزید حله با سلجوقیان و خلافت عباسی». تاریخ اسلام در آینه پژوهش ۲، ش. ۴ (۱۳۸۲): ۷۹-۹۸.
- عبدالفتاح الجالودی، علیان. «اقطاع نظامی در عصر پادشاهان بزرگ سلجوقی و نقش وزیر نظام الملک در پیدایش و تحول آن (۴۲۹هـ/۱۰۳۷م-۴۸۶هـ/۱۰۹۲م)». ترجمه سجاد جمشیدیان و حسین قائمی اصل. پژوهش در تاریخ ۶، ش. ۲ (۴ فروردین ۱۳۹۱): ۶۳-۱۲۷.
- عنصر المعالی، کیکاووس بن اسکندر. قابوس نامه. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کلوزنر، کارلا. دیوانسالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی). ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- گردیزی، عبدالحی. زین الاخبار. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- محمدی، ذکراالله. «نقش مؤلفه‌ها و باورهای دینی در پیروزی سپاه سلجوقی در نبرد ملاذگرد». پژوهش‌های علم و دین ۵، ش. ۹ (بهار و تابستان ۱۳۹۳): ۴۳-۶۶.
- نظام الملک، حسن بن علی. سیر الملوک (سیاستنامه). تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

Transliterated Bibliography

'Abd al-Fatāḥ al-Jālūdī, 'Alīyān. "Iqtā'ī Nizāmī dar 'Aṣr-i Pādishāhān-i Buzurg-i Saljūqī va Naqsh-i Vazīr Nizām al-Mulk dar Pidāysh va Tahāvūl-i ān (A.H. 429-

486/A.D. 1037-1092)". Translated by Sajād Jamshīdīyān va Ḥusayn Qā'imī Aṣl. *Pazhūhsh dar Tārīkh*, no.6 (Spring 2012/1391): 63-127.

Akhyānī, Jamīla va Nargis Aḥmadī. "Bāzshināsī-i Naqsh va Jāygāh-i Ghulāmān-i Sarāyī dar Sākhtār-i Quḍrat-i Ghaznavīyān bar Asās-i Tārīkh-i Bayhaqī". *Tārīkh-i Adabīyāt* 7, no. 75(2014/1393): 5-18.

Āqsarāyī, Maḥmud ibn Muḥammad. *Musāmara al-Akḥbār wa Musāyara al-Akhyār*. Tehran: Asāfir, 1983/1362.

Bayhaqī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *Tārīkh-i Bayhaqī (bā M'anī-i vāzhihā va Sharḥ-i Jumlihhāy Dushvār va Barkhī Nuktihhāy Dastūrī va Adabī*. Edited by Khalīl Khaṭīb Rahbar. Tehran: Mahtāb, Sa'adī, 1995/1374.

Bazrmanish, Sayyida Ḥalīmih va 'Alī Baḥrānīpūr. "Jāygāh va Naqsh-i Ghulāmān va Bardigān-i Turk dar Ḥukūmat-i Sāmānīyān". *Jundīshāpūr*, no. 3(2015/1394): 1-22.

Dihqān, Ma'sūmih. "Barrisī-i Tashkīlāt-i Nizāmī va Jāygāh-i Artish dar Khilāfat-i Fāṭimī-i Miṣr". *Muṭālī'āt-i Tārīkhī-i Jang* 6, no. 2 (2018/1397): 77-94.

Dīnawarī, Abū Ḥanīfa. *Akḥbār al-Ṭiwāl*. Translated by Maḥmud Maḥdāvī Dāmghānī, Tehran: Niy, 1989/1368.

Gardīzī, 'Abd al-Ḥayy. *Zayn al-Akḥbār*. Tehran: Dunyā-yi Kitāb, 1984/ 1363.

Ḥasanzādih, Ismā'il. "Sākhtār va 'Amalkard Sipāh Qaznavīyān". *Shinākht* 16, no. 52 (2006/1385): 52-115.

Ibn Athīr, 'Izzu al-Dīn 'Alī. *Tārīkh-i Kāmil-i Buzurg-i Islām va Irān*. Tehran: Mū'asisa Maṭbū'āt-i 'Ilmī, 1992/1371.

Isfahānīyān, Dāvūd. "Tashkīlāt-i Nizāmī Saljūqīyān". *Barrisīhāy Tārīkhī* 8, no. 5(1973/1352): 57-72.

Khal'atbarī, Allāhyār va Bushrā Dīrīsh. "Ilal-i bi Kārgīrī va Ḥuzūr-i Gustardih-yi Ghulāmān dar Nizām-i Sīyāsī-i Sāmānīyān". *Ulūm-i Insānī Al-Zahra University*, no. 59 (2006/1385): 57-78.

Klausner, Carla L., *Dīvānsālārī dar 'Ahd-i Saljūqī (Vizārat dar 'Ahd-i Saljūqī)*. Translated by Ya'qūb Āzhand. Tehran: Amīr Kabīr, 1984/1363.

Muhammadī, ZikrAllāh. “Naqsh-i Mu'allafahā va Bāvarhā-yi Dīnī dar Pīrūzī-yi Sipāh-i Saljūqī dar Nabard-i Malāzgir”. *Pazhūshhā-yi 'Iilm va Dīn* 5, no. 9(Spring and Summer 2014/1393): 43-66.

Nizām al-Mulk, Ḥasan ibn 'Alī. *Sīyar al-Mulūk(Sīyāsatnāmah)*. Tehran: 'Iilmī va Farhangī, 1999/1378.

Rāwandī, Muḥammad ibn 'Alī. *Rāḥa al-Ṣudūr wa Āya al-Surūr dar Tārīkh-i Āl-i Saljūq*. Tehran: Amīr Kabīr, 1985/1364.

Sārīkhānī, Majīd. “Razm Afzārhāy Irān dar Daūrān-i Isāmī bā Istinād bi Āṣār-i Hunarī-i Ganjīnih-yi Isāmī”. *Tārīkh Farhang va Tamadun-i Isāmī* 4, no. 11 (2013/1392): 21-44.

Ṭabāṭabā ī, Javād. *Darāmadī Falsafī bar Tārīkh-i Andīshih-yi Sīyāsī dar Irān*. Tehran: Kavīr, 2006/1385.

Ṭabāṭabā ī, Javād. *Khvājah Nizām al-Mulk*. Tehran: Ṭarḥ-i Nau, 1996/1375.

Tābīsh, Ya'qūb va Muḥsin Parvīsh. “Mudil-i Shāyistigī Kārkunān dar Sīyar al-Mulūk”. *Justārhāy Tārīkhī* 10. no. 2 (2019/1398): 59-82.

Ṭahmāsbī, Sāsān. “Ravābiṭ-i Banī Mazyad bā Saljūqīyān va Khilāfat-i 'Abāsī”. *Tārīkh Isām dar Āynih Pazhūhish* 2, no. 4 (2003/1382): 79-98.

Tārīkh-i Āl-i Saljūq dar Ānātūlī. Tehran: Mīrās-i Maktūb, 1398/1377.

Tārīkh-i Irān-i Kambrij, Az Āmadan-i Saljūqīyān tā Furūpāshī-i Daūlat Iīlkhānān. Edited by J. A. Boyle. Translated by Ḥasan Anūshih. vol.5. Tehran: Amīr Kabīr, 1987/1366.

'Unṣur al-Ma'ālī, Kaykāvūs ibn Iskandar. *Qābūs Nāmah*. Tehran: 'Iilmī va Farhangī, 2004/1383.

Uzunçarşılı, İsmail Hakkı. “Tashkīlāt-i Impirātūrī Saljūqīyān(3)”. Translated by Muḥammad Rizā Naṣīrī. *Nāmah-yi Anjuman* 8, no. 2 (winter 2002/1381): 52-63.